



## نقش زنان در روند توسعه کشورهای اسلامی

دکتر مهرشاد شبابی\* - استادیار گروه حقوق، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران.

حنا سادات صفوی - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۱

### چکیده

زنان در کلیه کشورهای جهان با تهدیدات زیادی در ارتباط با زندگی، بهداشت و سلامت خود مواجه هستند در حالی که مشکلات مربوط به کار و کمبود قدرت و نفوذ آنها نیز بر مشکلات آنها افزوده است، یعنی در شرایطی که آنها با مشکلات فوق مواجه می‌شوند، قدرت تصمیم‌گیری کافی نیز در جامعه ندارند. آموزش زنان نیز به عنوان نقطه عطفی در جریان توسعه مطرح است، یعنی از طریق توسعه آموزش و پرورش در سطوح مختلف و در اختیار گذاردن امکانات کافی از توانایی‌های زنان می‌توان بیش‌ترین بهره‌برداری را در جریان توسعه اقتصادی - اجتماعی به عمل آورد. از این رو، این شاخص در اولویت بالایی قرار گرفته است. آموزش یکی از مهم‌ترین ابزارهای است که موقعیت زنان را ارتقاء داده و به آنان به صورت مستقیم و غیرمستقیم قدرت بیش‌تری در جامعه اعطاء می‌نماید. پرداختن به موضوع توسعه در کشورهای اسلامی از این جهت حائز اهمیت است که از یک سو این کشورها با یک و نیم میلیارد جمعیت، بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان را به خود اختصاص داده‌اند، و از سوی دیگر توزیع جغرافیایی و مهم‌تر از آن موقعیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی آنها دارای اهمیت است.

روش تحقیق این پژوهش استادی بوده و در آن از آمارهای بانک جهانی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را، کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهند و نمونه آماری، کشورهای منتخب اسلامی می‌باشند. در این تحقیق از نظریه ساختاربنندی گیدنز در چارچوب نظری استفاده شده است. طبق نظریه ساختاربنندی گیدنز، افراد سازنده فرهنگ جامعه هستند و فرهنگ جامعه نیز تفکرات افراد را شکل می‌دهد و نوعی رابطه دیالکتیک بین آنها وجود دارد. در کشورهای اسلامی ارزش‌های دین مبین اسلام را می‌توان به عنوان ساختار و باورهای دینی افراد را به عنوان عاملیت در نظر گرفت و فرآیند توسعه باید با توجه به این رابطه تحلیل شود. هر چقدر

خواستش دینی در کشوری اسلامی تسهیل کننده حضور زنان در عرصه‌های عمومی باشد نقش زنان در توسعه نیز افزایش می‌یابد.

فرآیند توسعه در کشورهای اسلامی اگر با معیارهای غربی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد نشان‌دهنده عقب ماندن اغلب کشورهای اسلامی از دنیای غرب است و در این میان برخی از کشورهای اسلامی که ارزش‌های سکولاریستی و لیبرالیستی غربی را با ارزش‌های اسلامی وفق داده‌اند و ترکیبی خاص جامعه خود ایجاد نموده‌اند تا حد زیادی به توسعه‌یافتگی غربی که عمدتاً بر پایه رفاه مادی بنا شده نزدیک شده‌اند. ترکیه و امارات متحده عربی از جمله این کشورها هستند. ایران در برخی شاخص‌ها مانند آموزش زنان به خصوص در سطوح عالی‌تر حتی با معیارهای توسعه غربی در رتبه بالاتری نسبت به اغلب کشورهای اسلامی قرار دارد و در شاخص مشارکت و فرصت اقتصادی پایین‌تر از بحرین، عربستان، ترکیه، ارمنستان و آذربایجان می‌باشد.

کلید واژگان: زنان، توسعه، توانمندسازی، شکاف جنسیتی، ارزش‌های دینی، کشورهای اسلامی.

## ۱. مقدمه

موضوع توسعه در کشورهای مختلف جهان و از جمله کشورهای اسلامی همواره از موضوعات بحث برانگیز بوده است. واژه توسعه در ادبیات غرب متمرکز بر جنبه‌های رفاهی و مادی زندگی انسان است در حالی که در کشورهای اسلامی در کنار رفاه مادی به ارزش‌های اخلاقی و به ویژه دینی نیز توجه می‌شود و در بسیاری موارد این ارزش‌ها نسبت به توسعه مادی اولویت پیدا می‌کند؛ به همین جهت رهبری معظم انقلاب اسلامی در بیانات خود از واژه پیشرفت به جای توسعه استفاده می‌کنند تا مقصود از آن با آنچه در ادبیات غرب است جداسازی شود.

بدون شک، مهم‌ترین عاملی که رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی را تسریع می‌بخشد «منابع انسانی» آن جامعه است. هر جامعه انسانی نیز متشکل از زنان و مردانی است که با روابط متقابل اجتماعی، در عین وابستگی متقابل هر یک از دو جنس به یکدیگر، نقش و کارکرد ویژه‌ای را ایفا می‌کند و بی‌تردید زنان، به عنوان نیمی از جمعیت نیز، تأثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند. زنان اهرم و بازوی توسعه هستند و عامل مهمی در پیشبرد فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شوند. لذا استراتژی‌های یک جامعه توسعه‌یافته، لازم است بر مبنای مشارکت هر

چه فعال‌تر زنان در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پی‌ریزی شود. زنان به عنوان عضو مؤثر جامعه، می‌توانند نقش پیشگام خود را که در برخی از مسئولیت‌ها متبلور است، ایفا کنند. از جمله این مسئولیت‌ها، ترویج مفهوم مشارکت و اشتغال در زندگی و زمینه‌سازی مناسب برای فعالیت آزادانه و شناساندن حق مدیریت اقتصادی، مالکیت و حضور خود به جامعه است. یکی از اهداف مهم توسعه، نفی نابرابری‌های طبقاتی، قومی، جنسی و نژادی است. امروزه از میان برداشتن نابرابری‌های موجود میان مردان و زنان و به رسمیت شناختن جایگاه زنان در مباحث توسعه، به بحثی اساسی در میان کشورها تبدیل شده است. زنان با بر عهده داشتن نقش‌های متعدد خانوادگی، همسررداری، تربیت فرزندان و خانه‌داری، لازم است در جامعه حضوری فعال و مؤثری داشته باشند و نقش مهمی در فرآیند توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایفا کنند. در این زمینه بر نظریه‌هایی مانند توانمندسازی زنان تأکید می‌شود.

نظریه توانمندسازی با هدف قرار دادن نیازهای استراتژیک زنان و ارتقای آگاهی زنان و مردان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی راهکار اصلی را در تجهیز زنان و مردان برای مشارکت در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مانند نهادهای در تمام ابعاد نظام را در نظر قرار می‌دهد.

امروزه زنان در ادبیات توسعه جایگاه مهمی یافته‌اند، به این معنا که بخش عمده‌ای از توسعه معطوف به زنان گردیده است، یعنی آنها می‌بایست در توسعه نقش داشته باشند. سازمان ملل متعهد نیز در جلسات، گردهمایی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و به طور کلی اعلامیه‌های مختلف خود به این مهم مکرراً پرداخته است. برابری زن و مرد و همچنین قدرت دادن به زنان در امور اجتماعی و اقتصادی، توسعه جامعه تسریع و تقویت می‌نمایند. چنین جریانی توسط کشورها و جوامع صنعتی به اندازه کافی تجربه شده است. قدرت دادن به زنان و برداشتن موانع از سر راه آنها، باعث بهبود وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی آنها در جامعه می‌گردد. به علاوه، این جریان خود زمینه‌ساز توسعه پایدار شناخته شده است. مشارکت و همکاری کامل زنان و مردان، پیش‌نیاز تولید و زاد و ولد در قالب مناسب آن می‌باشد. این جریان، یعنی

مشارکت عادلانه زنان و مردان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، حفظ و نگهداری و پرورش اطفال هم‌چنین پرداختن به امور مربوط به خانه‌داری را نیز شامل می‌شود. این بدان معناست که وارد کردن زنان به جامعه نمی‌بایست به مسائل مربوط به مادری آنان لطمه‌ای وارد آورد.

زنان در کلیه کشورهای جهان با تهدیدات زیادی در ارتباط با زندگی، بهداشت و سلامت خود مواجه هستند در حالی که مشکلات مربوط به کار و کمبود قدرت و نفوذ آنها نیز بر مشکلات آنها افزوده است، یعنی در شرایطی که آنها با مشکلات فوق مواجه می‌شوند، قدرت تصمیم‌گیری کافی نیز در جامعه ندارند. آموزش زنان نیز به عنوان نقطه عطفی در جریان توسعه مطرح است، یعنی از طریق توسعه آموزش و پرورش در سطوح مختلف و در اختیار گذاردن امکانات کافی از توانایی‌های زنان می‌توان بیش‌ترین بهره‌برداری را در جریان توسعه اقتصادی - اجتماعی به عمل آورد. از این رو، این شاخص در اولویت بالایی قرار گرفته است. آموزش یکی از مهم‌ترین ابزارهای است که موقعیت زنان را ارتقاء داده و به آنان به صورت مستقیم و غیرمستقیم قدرت بیش‌تری در جامعه اعطاء می‌نماید. بیش از چهل سال پیش، اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام کرد که هر فردی حق دسترسی پیدا کردن به آموزش و پرورش را دارد. در سال ۱۹۹۲ نیز دولت‌هایی که در کنفرانس جهانی «آموزش و پرورش برای همه» در جامتین تایلند حضور به هم رساندند، چنین اعلامیه‌ای را مجدداً تأیید کردند، و خود را نسبت به آن، یعنی به فراهم آوردن هر چه بیش‌تر شرایط برای آموزش زنان متعهد دانستند. بر این اساس، هنوز هم راه طولانی در پیش است تا بتوان تغییراتی بنیانی به لحاظ آموزشی در وضعیت زنان به وجود آورد. به عبارت دیگر، توسعه اجتماعی - اقتصادی در اغلب نقاط جهان به ویژه در کشورهای در حال توسعه در گرو چنین تحولی است.

امروزه مفهوم توسعه مورد توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی قرار گرفته است که این مطالعات صرفاً بر مبنای ابعاد اقتصادی و مادی نمی‌باشد، بلکه توسعه پایدار همه‌جانبه در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. هم‌چنین مطالعه در پژوهش‌های اخیر و دستیابی به تجربیات کشورهای اسلامی و خاورمیانه می‌تواند به نتایج مهمی از علل توسعه نیافتگی زنان در این مناطق دست یافت.

از آنجا که مطالعات انجام شده در مورد کشورهای اسلامی توسط، کشورهای غربی صورت گرفته طبیعی است که نتایجی جز تبعیض جنسیتی، عدم آزادی، و نادیده گرفته شدن حقوق زنان ندارد. به همین دلیل ضرورت بررسی نقش زنان در کشورهای اسلامی در روند توسعه پایدار بسیار حائز اهمیت است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است.

در حوزه زنان مهم‌ترین چالشی که از سوی کشورهای اسلامی بر نظام حقوق بین‌الملل بشر زنان وارد می‌شود، در زمینه مفهوم «برابری جنسیتی» است زیرا دیدگاه اسلام مبتنی بر تحقق «عدالت جنسیتی» است که متضمن در نظر گرفتن تفاوت‌های طبیعی هر یک از دو جنس است اما متأسفانه خلاء جدی این مهم در سیاست‌های کشورهای اسلامی محسوس است.

پرداختن به موضوع توسعه در کشورهای اسلامی از این جهت حائز اهمیت است که از یک سو این کشورها با یک و نیم میلیارد جمعیت، بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان را به خود اختصاص داده‌اند، و از سویی دیگر توزیع جغرافیایی و مهم‌تر از آن موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی آنها دارای اهمیت است (Jomeapur, 2002:93).

هم‌چنین اگر چه چندین دهه سرمایه‌گذاری شگرف در بخش‌های اجتماعی، سطح آموزش و بهداشت زنان را بسیار بهبود بخشیده است اما این پیشرفت‌های برجسته هنوز نتیجه مطلوب را در اشتغال و مشارکت سیاسی به بار نیاورده است. به طوری که خاورمیانه جایگاه آخر را در مناطق جهان از نظر مشارکت اقتصادی، توانمندسازی سیاسی زنان و تفاوت دستمزد در قبال کار مشابه میان زنان و مردان داراست.

## ۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

در زمینه نقش زنان در توسعه کمتر ابهامی وجود دارد اما با توجه به اینکه در کشورهای اسلامی ارزش‌های دینی اولویت بالاتری به نسبت شاخص‌های رفاه مادی دارد لذا اهمیت توجه به این مسئله و ضرورت درک درست آن را نشان می‌دهد. در اینجا لازم است به مفهوم توانمندسازی از این منظر توجه داشته باشیم و آن را در نظر بگیریم:

«توانمندسازی یعنی افراد به سطحی از توسعه فردی دست یابند که جامعه به آنها امکان انتخاب بر اساس خواست خود را بدهد» (Shady Talab, 2002:54).

توانمندسازی زنان به این معناست که آنها قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویش باشند. به استعدادها و محدودیت‌های درونی خویش آگاه باشند و قدرت رویارویی با مشکلات و دشواری‌ها را داشته باشند و در رفع آن بکوشند و بتوانند با افزایش توانمندی خود به هدف‌های مورد نظر خود دست یابند (Farokhi, 1997:76). در اینجا باید شاخص‌هایی که معرف توانمندی زنان است و تا حدی می‌تواند شکاف جنسیتی موجود در جامعه را نشان دهد مورد توجه قرار گیرد.

### ۳. ادبیات پژوهش

#### پیشینه داخلی

باستانی و همکاران در پژوهشی با عنوان «جنسیت و توسعه در کشورهای اسلامی نفتی و بدون نفت» به این نتیجه رسیدند که موقعیت زنان در کشورهای اسلامی در بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۹ از نظر بهداشتی و آموزشی بهبود یافته ولی از نظر اقتصادی و سیاسی تغییرات مهمی در آن صورت نگرفته است و این عدم هماهنگی بیانگر آن است که توانمندسازی زنان در مرحله رفاه باقی مانده و به سطوح دسترسی و کنترل نرسیده زیرا زنان در این کشورها دسترسی ناچیزی به منابع اقتصادی دارند (Bastani et al, 2016).

#### پیشینه خارجی

دلار و گتی نقش زنان در توسعه اقتصادی را در ۱۲۷ کشور در سال‌های ۱۹۷۵ - ۱۹۹۰ در چهار دوره پنج ساله بررسی کردند. آنها ۴ شاخص برای نابرابری جنسیتی در نظر گرفتند: دستیابی به آموزش به ویژه مقطع دبیرستان، بهبود در سلامت، برابری اقتصادی و قانونی زنان در جامعه و در ازدواج، توانمندسازی زنان (درصد حضور زنان در مجلس و سالی که حق رأی به دست آوردند). به اعتقاد آنها نابرابری جنسیتی در آموزش به زبان توسعه اقتصادی است و هرچه دسترسی دختران به آموزش افزایش یابد، محیط بهتری برای رشد اقتصادی به ویژه در کشورهای با درآمد متوسط فراهم می‌شود. آنها همچنین نشان دادند رشد درآمد سرانه به بهبود شاخص‌های نابرابری جنسیتی منجر می‌شود (Dollar and Getty, 1999). اثر نابرابری جنسیتی در آموزش، اشتغال و توسعه اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نشان داد که نسبت

سال‌های تحصیل زنان به مردان و نسبت نرخ مشارکت نیروی کار زنان به مردان برای نابرابری جنسیتی در آموزش و اشتغال اهمیت دارد و به این نتیجه رسیدند که نابرابری جنسیتی هم در آموزش و هم در اشتغال اثر منفی بر توسعه دارد، ولی شکاف جنسیتی در اشتغال اثر بیش‌تری نسبت به شکاف آموزشی دارد (Klassen and Lamannena, 2008).

هم‌چنین در مطالعه دیگر اثر نابرابری جنسیتی را بر توسعه اقتصادی کشورهای جنوب صحرائی آفریقا و کشورهای عربی مورد بررسی قرار گرفت. آن‌ها از دو شاخص نسبت ثبت نام دختران نسبت به پسران در مقطع ابتدایی و دبیرستان و نسبت زنان به مردان باسواد ۲۴ - ۱۵ ساله برای نابرابری جنسیتی استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که نابرابری جنسیتی در باسواد اثر منفی قابل توجهی بر توسعه دارد (Baliamune Lutz and McGilliory, 2007).

برومت در سال ۲۰۰۸ به بررسی نقش زنان در توسعه را با تأکید بر نابرابری جنسیتی در آموزش در ۷۲ کشور طی سال‌های ۱۹۶۵ - ۱۹۸۴ پرداخت. وی از شاخص‌های تفاوت در کل سال‌های تحصیل و تفاوت ثبت نام در مقاطع ابتدایی و دبیرستان برای نابرابری جنسیتی استفاده کرد و به این نتیجه رسید که کمبود سرمایه‌گذاری در آموزش زنان اثر منفی بر توسعه دارد. به اعتقاد او تفاوت در آموزش ابتدایی نسبت به تفاوت در آموزش دبیرستان مهم‌تر است؛ چون برابری در سطح آموزش ابتدایی بر نرخ باروری، مرگ و میر نوزادان و آموزش فرزندان اثر دارد و این که نابرابری جنسیتی بیش‌تر باید در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گیرد (Brummet, 2008).

#### ۴. روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش اسنادی بوده و در آن از آمارهای بانک جهانی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهند و نمونه آماری کشورهای منتخب اسلامی می‌باشند. در کنار توصیف وضعیت کشورهای اسلامی نسبت به مقایسه نقش زنان در نمونه آماری تحقیق اقدام می‌شود. تصور بر این است که باورهای فرهنگی و سنت‌ها در کنار ساختار نظام سیاسی در این کشورها و میزان اشتغال زنان از عوامل مؤثر در این زمینه می‌باشند.

### ۵. چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق از نظریه ساختاربنندی گیدنز در چارچوب نظری استفاده شده است. در نظریه ساختاربنندی گیدنز، عاملیت و ساختار، دارای اهمیت است. منظور از عاملیت افراد و منظور از ساختار فرهنگ است (Pearson, 2003: 135). در نظریه ساختاربنندی، حیطة اصلی مطالعه، اعمال اجتماعی است که در طول مکان و زمان نظم یافته‌اند. در نظریه ساختاربنندی بر توانمندی افراد در ایجاد تحول در جامعه تأکید شده است. فرآیند توانمندسازی، بر جنبه مهم پویایی روند توانمندسازی تأکید دارد: پتانسیل توانمندسازی نه تنها از لحاظ منابع و توانایی‌های شخصی مردم، بلکه از قوانین و مقررات ساختار اجتماعی وجود دارد. ارتباط ساخته شده توسط گیدنز میان ساختار اجتماعی و عوامل انسانی تبیین نظری این مورد که توانمندسازی اجتماعات و توانمندسازی فردی که هم‌بخشی دارند را تقویت می‌کند. در حوزه ارتباطی زنانی که توانمند شده‌اند یاد می‌گیرند که چگونه وضعیت خود را به گونه‌ای متفاوت درک کنند و در نتیجه تشکیل ساختار نمادینی را که در آن سهم هستند تشکیل می‌دهند.

### ۶. مبانی نظری تحقیق

نظریات مربوط به نقش زنان در توسعه متأثر از نظریات فمینیستی است و در آن به ارزش‌های دینی و اخلاقی توجه نشده است. به عنوان مثال لانگه بر این باور است که برنامه‌های توسعه به کار گرفته شده در کشورهای جهان سوم ناموفق بوده یا حتی در جهت عکس توسعه عمل کرده است. به زعم او، برنامه‌ریزان به معنای واقعی به نابرابری جنسیتی پی نبرده‌اند. او معتقد است که باید میان مسائل مربوط به زنان که لزوماً مشکل‌آفرین نیستند و مسائل جنسیتی که مرکز ثقل برنامه‌های توسعه در امور زنان است تمایز قائل شد. مسائل جنسیتی بر اثر فاصله جنسیتی به وجود می‌آید و فاصله جنسیتی حاصل نظام‌های تبعیض جنسی موجود در جامعه است (Lange, 1993: 24).

سن، در کتاب توسعه به مثابه آزادی، فصلی را اختصاص به زنان داده است. این فصل به نام نقش فاعل زنان و تحولات اجتماعی، به اهمیت بهداشت و سلامتی زنان با نقش‌های فاعلی آنان اشاره می‌کند و تأثیرات این نقش را در حوزه‌هایی چون میزان فاعلیت زنان بر باروری و



تقویت بقای کودکان را بررسی می‌کند. سن، این دو حوزه را نه تنها در جهت توانمندسازی بلکه تأثیر آن را بر توسعه نیز مهم می‌داند. سن نقش فاعلی زنان را در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و مشارکت‌های سیاسی قابل تعمیم می‌داند (Sen, 2006: 229). در مجموع معیارهای رفاه، دسترسی به منابع، آگاهی، مشارکت و کنترل در زمینه نقش زنان در توسعه مورد تأکید قرار می‌گیرد.

### معیارهای توانمندسازی در اسلام

از نظر بسیاری از صاحب‌نظران فقهی، اندیشه اسلامی به انسان بودن زن و مرد در نظام آفرینش از دیدگاه واحدی می‌نگرد و فقط نقش‌ها و مسئولیت‌ها بین آن دو تقسیم می‌شود و آیات متعددی در قرآن بر عدم برتری جنسیتی در آفرینش نوع انسان تأکید کرده است (سوره نساء آیه ۱۹ و سوره روم آیه ۲۱ و سوره اعراف آیه ۱۸۹ و سوره احزاب آیه ۳۵). آیت الله خامنه‌ای در این خصوص می‌گویند: «زن را از سه دیدگاه می‌شود مورد ملاحظه قرار داد تا بینش اسلامی نسبت به زن آشکار شود: دیدگاه اول: نقش زن به عنوان انسان در راه تکامل معنوی و انسانی است. در این دیدگاه زن و مرد هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند.

دیدگاه دوم: در زمینه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و علمی و اقتصادی است. از نظر اسلام میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان کاملاً باز است. اگر کسی به استناد بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی و تلاش اقتصادی محروم کند، بر خلاف حکم خدا حرفی زده است.

دیدگاه سوم: نگاه زن به عنوان یک عضو خانواده است. این از همه مهم‌تر است، در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و چیزی را بر آن تحمیل کند. برای مرد، حقوق محدودی در خانواده قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است.»

## ۷. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

با توجه به این‌که در این مقاله نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی مد نظر است لذا اطلاعات از طریق اسناد گوناگون گردآوری و تجزیه و تحلیل می‌شود. در این مورد صحت اعتبار منابع از اهمیت زیادی برخوردار است.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها که می‌تواند نقش زنان را در توسعه نشان دهد شاخص شکاف جنسیتی است. شاخص شکاف جنسیتی یک شاخص ترکیبی حاصل از نتایج مختلف اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی است. لذا دولت‌ها نقش اساسی در از بین بردن آن یا تداوم این شکاف دارند که ذاتاً در ارتباط با چارچوب سیاست‌های اصلی آنها در حکمرانی است. این شاخص در پی تعیین اولویت برای کشورها نمی‌باشد، بلکه با ارائه مجموعه‌ای از داده‌ها و روش‌ها در پی رصد شکاف از طریق شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی می‌باشد تا کشورها امکان اولویت‌بندی را در چارچوب سیاست‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی خود تنظیم نمایند. علاوه بر این، دولت‌ها باید تلاش خود را با جامعه مدنی و کسب و کار برای رشد مردان و زنان همسو نمایند. از طرفی نابرابری به عنوان یک آسیب اجتماعی در اغلب جوامع مطرح است و معمولاً زنان از فرصت‌های کمتری نسبت به مردان برخوردار هستند.

لذا برای سنجش این نابرابری، شاخص شکاف جنسیتی که از جدیدترین شاخص‌های سنجش میزان نابرابری بر اساس جنسیت می‌باشد برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ توسط مجمع جهانی اقتصاد معرفی شده است. این شاخص چارچوبی جهت تشخیص نابرابری‌های جنسیتی فراهم می‌آورد و وضعیت زندگی زنان را در چهار حوزه‌ی بهداشت، آموزش، اقتصاد و سیاست مورد بررسی قرار داده و کشورها را بر اساس مقادیر بین صفر تا یک، یعنی از تبعیض کامل تا برابری کامل رتبه‌بندی می‌کند. در این گزارش با ارائه‌ی چارچوبی جهت مقایسه شکاف جهانی جنسیت، به شناسایی کشورهایی می‌پردازد که فارغ از سطح منبع موجود، در زمینه تخصیص برابر منبع به زنان و مردان پیش‌رو هستند.

از این رو به مناسبت دوازدهمین دوره محاسبه شاخص شکاف جهانی جنسیت توسط مجمع جهانی اقتصاد، این مرکز به استناد آمارهای گزارش جهانی شکاف جنسیت در سال ۲۰۱۷،

مبادرت به تهیه گزارشی در خصوص شکاف جنسیتی و بررسی جایگاه ایران در بین کشورهای مشمول سند چشم انداز ۱۴۰۴، منطقه آسیا و اقیانوسیه و همچنین کشورهای جهان نموده است. جهت محاسبه شکاف جنسیت، چهار زیر شاخص بهداشت، آموزش، اقتصاد و سیاست مورد بررسی قرار می‌گیرد که هر از این زیر شاخص‌ها دارای متغیرهایی متفاوت بوده که با محاسبه و ارزش‌گذاری آنها از صفر (برابری) تا یک (برابری)، کشورها را بر اساس تبعیض کامل تا برابری کامل رتبه‌بندی می‌نمایند.

جدول (۱): شاخص‌های مؤثر در روند توسعه‌یافتگی کشورهای اسلامی

منبع	متغیرها	زیر شاخص
پایگاه داده سازمان بین‌المللی کار (ILO)، پایگاه داده ILOATAT سال ۲۰۱۶ یا آخرین داده‌های موجود	نرخ مشارکت نیروی کار زنان به مردان	شکاف مشارکت
آمارگیری کسب و کار، مجمع جهانی اقتصاد (EOS) ۱۷-۲۰۱۶	برابری دستمزد بین زنان و مردان برای کار مشابه (داده‌های آمارگیری، در مقیاس ۰ تا ۱ نرمال شده است)	۱. مشارکت و فرصت اقتصادی: در سه مفهوم شکاف مشارکت، شکاف درآمد و شکاف پیشرفت به کار می‌رود
محاسبات مجمع جهانی اقتصاد بر اساس روش برنامه توسعه سازمان ملل متحد (اشاره به گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۷ / ۲۰۰۸)	نسبت درآمد تخمینی زنان به مردان	
پایگاه داده سازمان بین‌المللی کار (ILO)، پایگاه داده ILOATAT سال ۲۰۱۶ یا آخرین داده‌های موجود	نسبت زنان به مردان در مشاغل قانون‌گذار، مقامات ارشد و مدیریتی	شکاف
پایگاه داده سازمان بین‌المللی کار (ILO)، پایگاه داده ILOATAT سال ۲۰۱۶ یا آخرین داده‌های موجود	نسبت زنان به مردان در نیروی کار تخصصی و حرفه‌ای	پیشرفت
سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل (یونسکو)، پایگاه داده مؤسسه شاخص‌های آماری آموزش و پرورش، سال ۲۰۱۶، یا آخرین داده‌های موجود	نسبت باسوادی زنان به مردان	۲. دستیابی به آموزش: نرخ باسوادی زنان به مردان (در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی) می‌تواند معیار سنجش قرار گیرد.
مؤسسه آمار یونسکو، پایگاه داده شاخص‌های آموزش، سال ۲۰۱۶ یا آخرین داده‌های موجود	نرخ خالص ثبت نام زنان به مردان در دوره ابتدایی	
مؤسسه آمار یونسکو، پایگاه داده شاخص‌های آموزش، سال	نرخ خالص ثبت نام زنان به مردان در	

۲۰۱۶ یا آخرین داده‌های موجود	دوره متوسطه	
مؤسسه آمار یونسکو، پایگاه داده شاخص‌های آموزش، سال ۲۰۱۶ یا آخرین داده‌های موجود	نرخ ناخالص ثبت نام زنان به مردان در سطح عالی	
قسمت جمعیت ملل متحد، چشم انداز جمعیت جهان، سال ۲۰۱۶ یا آخرین داده‌های موجود	نسبت جنسی در بدو تولد	
پایگاه داده رصدخانه بهداشت سازمان بهداشت جهانی، سال ۲۰۱۵ یا آخرین داده‌های موجود	امید به زندگی سالم در زنان نسبت به مردان (تفاوت امید به زندگی میان زنان و مردان براساس داده‌های سازمان بهداشت جهانی)	۳. بهداشت و بقاء
اتحادیه بین‌المجالس زنان در سیاست: ۲۰۱۷ پوشش انتخابات / انتصابات تا ۱ ژوئن ۲۰۱۷	نسبت زنان به مردان در سمت‌های پارلمانی	۴. توانمندسازی سیاسی
اتحادیه بین‌المجالس زنان در سیاست: ۲۰۱۷ پوشش انتخابات / انتصابات تا ۱ ژوئن ۲۰۱۷	نسبت زنان به مردان در سطوح وزارتی	
محاسبات مجمع جهانی اقتصاد، پوشش وضعیت از تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۷ است	نسبت رئیس دولت زن به مرد در ۵۰ سال گذشته	

(Source: World Report on Gender Gap: 2017)

هدف از محاسبه شکاف جنسیت، بررسی توزیع نابرابر قدرت، ثروت و همچنین برخورداری از مزایای جامعه میان زنان و مردان می‌باشد که دولت‌ها نقش اساسی در از بین بردن یا تداوم آن دارند. از طرفی این موضوع ذاتاً در ارتباط با چارچوب سیاست‌های اصلی دولت‌ها می‌باشد به طوری که این سیاست‌ها می‌توانند این شکاف را از بین برده یا موجب تداوم آن شوند. ضروری است سه مفهوم اساسی زیر شاخص‌های گزارش شکاف جنسیت جهانی را که بر اساس آن انتخاب شاخص‌ها و نحوه برخورد با داده‌ها و مقیاس‌ها استفاده می‌شود از یکدیگر شناخته شوند:

مهم‌ترین ویژگی این شاخص تمرکز بر فاصله و تفاوت مردان و زنان در حوزه‌های مختلف، بدون توجه به سطح درآمد و توسعه‌یافتگی کشورها است. شاخص شکاف جنسیتی، دسترسی به منابع و فرصت‌ها در هر کشور را برای زنان و مردان نسبت به سطح واقعی منابع و فرصت‌های آن کشور اندازه می‌گیرد. در واقع این شاخص کشورها را نه بر اساس سطح توسعه

بلکه بر اساس میزان شکاف جنسیتی رتبه‌بندی می‌کند.

دوم اینکه در شاخص شکاف جنسیتی، ملاک رتبه‌بندی کشورها نتایج و متغیرهای خروجی آنها است و نه سیاست‌ها یا اقدامات انجام شده (متغیرهای ورودی). مثلاً شکاف جنسیتی بین مردان و زنان در رده‌های مدیریتی مقایسه می‌شود، و طول مرخصی زایمان که از متغیرهای سیاست‌گذاری است در این شاخص لحاظ نمی‌شود. سوم این شاخص به دنبال نشان دادن حوزه‌هایی که زنان از مردان سبقت گرفته‌اند، نبوده و در پی آن است که آیا فاصله بین زنان و مردان در شاخص‌های انتخاب شده کاهش یافته است یا خیر. در حوزه‌هایی که زنان از مردان پیشی گرفته‌اند باز هم ارزش در نظر گرفته شده، همان عدد یک یعنی برابری کامل است.

جدول (۲): محاسبه وزن در هر زیر شاخص شکاف جنسیت بر حسب متغیرهای مربوطه

وزن	انحراف معیار به ازای هر ۱٪ تغییر نقطه	انحراف معیار	متغیر	زیر شاخص
۱	-	-	جمع	
۰,۱۹۹	۶۳.۰	۰,۱۶۰	نرخ مشارکت نیروی کار زنان به مردان	۱. مشارکت و فرصت اقتصادی: در سه مفهوم شکاف مشارکت، شکاف درآمد و شکاف پیشرفت به کار می‌رود
۰,۳۱۰	۰,۹۷	۰,۱۰۳	برابری دستمزد بین زنان و مردان برای کار مشابه (داده‌های آمارگیری، در مقیاس ۰ تا ۱۰ نرمال شده است)	
۰,۲۲۱	۰,۰۶۹	۰,۱۴۴	نسبت درآمد تخمینی زنان به مردان	
۰,۱۴۹	۰,۰۴۷	۰,۲۱۴	نسبت زنان به مردان در مشاغل قانون گذار، مقامات ارشد و مدیریتی	
۰,۱۲۱	۰,۰۳۸	۰,۲۶۲	نسبت زنان به مردان در نیروی کار تخصصی و حرفه‌ای	
۱	-	-	جمع	
۰,۱۹۱	۰,۰۶۹	۰,۱۴۵	نسبت باسوادی زنان به مردان	۲. دستیابی به آموزش: نرخ باسوادی زنان به مردان (در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی) می‌تواند معیار سنجش قرار گیرد.
۰,۴۵۹	۰,۱۶۷	۰,۰۶۰	نرخ خالص ثبت‌نام زنان به مردان در دوره ابتدایی	
۰,۲۳۰	۰,۰۸۳	۰,۱۲۰	نرخ خالص ثبت‌نام زنان به مردان در دوره متوسطه	
۰,۱۲۱	۰,۰۴۴	۰,۲۲۸	نرخ ناخالص ثبت نام زنان به مردان در سطح عالی	
۱	-	-	جمع	۳. بهداشت و بقاء

۰,۶۹۳	۰,۹۹۸	۰,۰۱۰	نسبت جنسی در بدو تولد	۴. توانمندسازی سیاسی
۰,۳۰۷	۰,۴۴۱	۰,۰۲۳	امید به زندگی سالم در زنان نسبت به مردان (تفاوت امید به زندگی میان زنان و مردان براساس داده‌های سازمان بهداشت جهانی)	
۱	-	-	جمع	
۰,۳۱۰	۰,۰۶۰	۰,۱۶۶	نسبت زنان به مردان در سمت‌های پارلمانی	
۰,۲۴۷	۰,۰۴۸	۰,۲۰۸	نسبت زنان به مردان در سطوح وزارتی	
۰,۴۴۳	۰,۰۸۶	۰,۱۱۶	نسبت رئیس دولت زن به مرد در ۵۰ سال گذشته	

(Source: World Report on Gender Gap: 2017)

توجه: محاسبات بر اساس گزارش جهانی شکاف جنسیت در سال ۲۰۰۶ است.

جدول (۳): شاخص‌های کلیدی جمعیتی و اقتصادی استفاده شده در محاسبات

مقدار	شرح
۳۹۳,۴۴	تولید ناخالص داخلی (میلیارد US \$)
۱۶۰۱۰,۱۱	سرانه تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۱۱ (PPP, \$, intl)
۴۳,۸۰۲۷۷	کل جمعیت (هزار نفر)
۱/۱۲	نرخ رشد جمعیت (%)
۱/۰۱	نسبت جنسی جمعیت (زن / مرد)

(Source: World Report on Gender Gap: 2017)

در آخرین گزارش شکاف جنسیت در سال ۲۰۱۷ کشور ایسلند (۰,۸۷۸)، با رفع ۸۸ درصد از شکاف جنسیت در مؤلفه‌های مورد سنجش، در بین ۱۴۴ کشور رتبه نخست را کسب نموده است. در همین سال کشور یمن (۰,۵۱۶)، با رفع ۵۲ درصد از شکاف جنسیت در مؤلفه‌های مورد سنجش در آخرین (رتبه ۱۴۴) قرار گرفته است.

بر اساس همین گزارش، کشور جمهوری اسلامی ایران:

در متغیر مشارکت و فرصت اقتصادی با رتبه ۱۴۰ (۰,۳۵۷)، در جایگاهی پایین‌تر از کشورهای بحرین، امارات متحده عربی، ترکیه، ارمنستان و آذربایجان و بالاتر از عربستان سعودی قرار دارد.

در متغیر دستیابی به آموزش با رتبه ۱۰۰ (۰,۹۵۶)، در جایگاهی پایین‌تر از امارات متحده

عربی، و بالاتر از ترکیه قرار دارد.

در متغیر بهداشت و بقاء با رتبه ۱۳۵ (۰,۹۶۳)، در جایگاهی پایین‌تر از ترکیه و بالاتر از بحرین و آذربایجان قرار دارد.

در متغیر توانمندسازی سیاسی با رتبه ۱۳۶ (۰,۰۴۶)، در جایگاهی پایین‌تر از آذربایجان و بالاتر از بحرین قرار دارد.

#### ۸. نتیجه‌گیری

فرآیند توسعه در کشورهای اسلامی اگر با معیارهای غربی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد نشان‌دهنده عقب ماندن اغلب کشورهای اسلامی از دنیای غرب است و در این میان برخی از کشورهای اسلامی که ارزش‌های سکولاریستی و لیبرالیستی غربی را با ارزش‌های اسلامی وفق داده‌اند و ترکیبی خاص جامعه خود ایجاد نموده‌اند تا حد زیادی به توسعه‌یافتگی غربی که عمدتاً بر پایه رفاه مادی بنا شده نزدیک شده‌اند. ترکیه و امارات عربی متحده از جمله این کشورها هستند. ایران در برخی شاخص‌ها مانند آموزش زنان به خصوص در سطوح عالی حتی با معیارهای توسعه غربی در رتبه بالاتری نسبت به اغلب کشورهای اسلامی قرار دارد اما از آنجا که نظام سیاسی ایران خود را پایبند به ارزش‌های دینی می‌داند در رتبه‌بندی غربی‌ها در زمره کشورهای در حال توسعه و حتی عقب‌مانده از نظر فرهنگی تلقی می‌شود. در واقع نمی‌توان با معیارهای غربی ارزش‌های اسلامی را سنجید و این تناقضی آشکار است.

بنا بر تفکر اسلامی عدالت و حقوق، عدالت و حکمت با هم تفسیرپذیر هستند و انسان و جهان زن و مرد را از حیث فردی، خانوادگی و اجتماعی بایستی بر اساس عدل و حکمت فهم کرد و حقوق آنها را شناخت. به همین دلیل برخی اندیشمندان اسلامی معتقدند: «آنچه در خلقت وجود دارد «تفاوت» است نه «تبعیض» و راز تفاوت‌ها یک کلمه است: تفاوت موجودات، ذاتی آنهاست و لازمه نظام علت و معلول.» هم‌چنین عدالت یعنی منظور داشتن استحقاق‌های طبیعی و واقعی و استعداد و لیاقت‌ها و مجاهدت‌های آدمیان. البته ایمان به خداوند، زیربنای اندیشه عدالت و حقوق ذاتی مردم است. تنها با اصل قبول وجود خداوند است که می‌توان وجود حقوق ذاتی و عدالت واقعی را به عنوان دو حقیقت مستقل از فرضیه‌ها

و قراردادها پذیرفت و از طرف دیگر بهترین ضامن اجرای آنهاست.

توسعه دارای ابعاد گوناگونی است که می‌توان آنها را در چهار دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی. در غرب، توسعه اقتصادی، محور و شاخص توسعه‌یافتگی به حساب می‌آید؛ چرا که از نظر اقتصاددانان غربی، تأمین رفاه زندگی و برآوردن نیازهای مادی بشر هدف اساسی توسعه است. اما تعریف اسلام از توسعه چیست؟ آیا توسعه مورد نظر اسلام نیز همان چیزی است که در این تعاریف آمده است؟ جهان‌بینی خدامحور اسلام، انسان را موجودی دو بعدی دانسته و برای هر دو بعد جسمی و روحی او برنامه دارد و زندگی را نیز فراگیر دانسته و محدود به روحی انسان و هدایت و رستگاری همه‌جانبه او دانسته است. با این مقدمات به نظر می‌رسد تعاریف مذکور تأمین‌کننده هدف توسعه در اسلام نباشد؛ توسعه‌ای که در «حیات طیبه» تبلور می‌یابد. از این رو، به نظر می‌رسد که تعریف زیر از جامعیت لازم برخوردار بوده و مورد تأیید اسلام باشد: «توسعه، فرآیندی است که زمینه شکوفایی استعدادها و گوناگون انسان را فراهم می‌سازد و در این فرآیند، با استفاده بهینه از منابع مختلف، بستر مناسبی برای رشد تولیدات ملی (اعم از تولید ثروت و غیر آن)، هماهنگ با تأمین خواسته‌های اصیل انسان فراهم می‌آید و در نتیجه، افراد جامعه، در این فرآیند، مسیر تکاملی شایسته خود را می‌پیمایند». با توجه به تعریف عام توسعه، «توسعه اقتصادی نیز به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن انسان به گونه‌ای تربیت شود که با تسلط بر تکنولوژی مدرن و استفاده بهینه از منابع، توان برنامه‌ریزی جامع، جهت تأمین رفاه جامعه را داشته و زمینه مناسب برای نیل به کمالات انسانی برای همگان فراهم باشد». در این دو تعریف، ویژگی‌های توسعه مورد نظر اسلام، مد نظر قرار گرفته است؛ زیرا:

۱. توسعه، فراهم‌کننده زمینه شکوفایی استعدادهای همه افراد جامعه می‌باشد و روشن است که چنین زمینه‌ای بدون برقراری عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر به وجود نمی‌آید؛
۲. در این فرآیند، تأمین خواسته‌های مادی و معنوی (جسمی و روحی) انسان و رشد و تعالی فرد و جامعه در کنار هم و توأمان مطرح است؛
۳. توسعه، فرآیندی جهت‌دار است و هدف نهایی از آن، رساندن انسان به کمال نهایی شایسته



مقام اوست. در جهان بینی و فرهنگ اسلامی، کمال نهایی انسان، «قرب الی الله» است که با شکوفا شدن کلیه استعدادهای درونی انسان، تحقق می‌یابد.

همان‌طور که گفته شد فرآیند توسعه دارای ابعاد گوناگونی است و باید آن را به صورت همه‌جانبه مورد مطالعه قرار داد. طبق نظریه ساختاربندی گیدنز افراد سازنده فرهنگ جامعه هستند و فرهنگ جامعه نیز تفکرات افراد را شکل می‌دهد و نوعی رابطه دیالکتیک بین آنها وجود دارد. در کشورهای اسلامی ارزش‌های دین مبین اسلام را می‌توان به عنوان ساختار و باورهای دینی افراد را به عنوان عاملیت در نظر گرفت و فرآیند توسعه باید با توجه به این رابطه تحلیل شود. هر چقدر خوانش دینی در کشوری اسلامی تسهیل کننده حضور زنان در عرصه‌های عمومی باشد نقش زنان در توسعه نیز افزایش می‌یابد. در عین حال همان‌طور که ذکر گردید؛ چهار عامل مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی در کنار آموزش و بهداشت و توانمندسازی زنان مهم‌ترین عوامل در پررنگ ساختن نقش زنان در فرآیند توسعه است. مشارکت زنان می‌تواند به گونه‌ای باشد که ناقض ارزش‌های دینی نگردد و در بحث آموزش مهم این است که زنان و دختران از امکانات تحصیل به خصوص در سطوح بالای تحصیلی برخوردار باشند.

در زمینه بهداشت شاخص امید به زندگی و سایر تسهیلاتی که موجب سلامتی زنان می‌شود در کانون توجه است و در توانمندسازی زنان به نظریه‌هایی چون سقف شیشه‌ای اشاره می‌شود و این نکته حائز اهمیت است که زنان تا چه حد می‌توانند به پست‌های مهم و بالای مدیریتی جامعه دست یابند و نقش خود را به عنوان نیمی از جمعیت فعال جامعه ایفا کنند. در مجموع کشورهایایی که از این ویژگی‌ها به نحو مطلوب استفاده کرده‌اند در فرآیند توسعه نیز موفق‌تر عمل کرده‌اند.

## ۹. قدرتدانی

«موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است».

## References

1. Balamoune Lutz, Mina; McGillivray, Mark (2007). Gender Inequality and Growth: Evidence from Sub-Saharan Africa and Arab Countries. International Center for Economic Research (ICER), Working Paper Series, No 25.
2. Bastani, Sosan; Mousavi, Marzieh; Hosseinpour, Fatemeh (2015). Gender and Development in Islamic Countries without Oil, Quarterly Journal of Welfare and Social Development Planning, No. 01. **[In Persian]**
3. Brummet, Quentin (2008). The Effect of Gender Inequality on Growth: A Cross-Country Empirical Study. Honors Projects, Paper 88. Retrieved from [http://digitalcommons.iwu.edu/econ\\_honproj/88](http://digitalcommons.iwu.edu/econ_honproj/88)
4. Dollar, David; Gatti, Roberta (1999). Gender Inequality, Income and Growth: Are Good Times Good for Women? Policy Research Report on Gender and Development. The World Bank Development Research Group, Working Paper Series, No 1.
5. Farokhi, Tahere (1997). The Role of Women in Sustainable Development, Women's Empowerment, Cooperative Monthly, New Period, Vol. 74. **[In Persian]**
6. Jomehpour, Mahmood (2002). Achieving Sustainable Human Development on the Axis of Tourism, Proceedings of the Geography Seminar Hospital for Dialogue of Civilizations, Ferdowsi University of Mashhad, International Center for Dialogue of Civilizations. **[In Persian]**
7. Klasen, Stephan; Lamanna, Francesca (2008). The Impact of Gender Inequality in Education and Employment on Economic Growth in the Middle East and North Africa. Retrieved from <http://www.goettingen.de/de/sh/download/pdf/klasenlamanna.pdf>
8. World Report on Gender Gap. (2017).
9. Lange, Sarah (1993). Criteria for Women's Empowerment, The Role of Women in Development, Tehran, Roshangaran
10. Pearson, Christopher (2003). The Meaning of Modernity, Christopher Pearson's Conversation with Anthony Giddens, translated by Ali Asghar Sidi, Tehran, Kavir Publications
11. Sen, Amartya (2006). Development as Freedom, translated by Vahid Mahmoudi, University of Tehran School of Management Publications
12. Shadi Talab, Zhalleh (2002). Development and Challenges of Iranian Women, First Edition, Tehran: Qatreh Publishing. **[In Persian]**